

**Journal iranian political sociolog**

**Vol. 4, No.3, fall2022**

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.3386.4.3378>

**Study of the Umayyad economy based on the spoils of war**

**Abstract:**

In the early days of the Prophet's departure for Medina, the financial resources of the Muslims were meager, and the spoils of war that the Muslim warriors gained were immediately distributed among themselves, until the shadow of more Muslim conquests and a peace treaty with the Jews, Christians and Zoroastrians Committed to taxation, and with the conquest of many lands, tax Began. Before that, the Islamic State's sources of income included zakat, khums,spoils of war and etc.Thus, financially, there were several sources of income during the Umayyad period.Acquisition of more spoils of war led to an increase in wealth in the territory of the Caliphate, which led to the formation of the government under the guidance of the Iranians. This article intends to recognize these sources, as well as to recognition the contexts and results consistent with it.The research method is historical and analytical and descriptive study that has been done using Islamic sources.The findings of this study show that the spoils obtained from the Muslim conquests in Iran were more than other conquered areas and this increased the wealth of the Islamic State. In fact, it can be said that these spoils had a large share in the economy of the Umayyad era.

**Keywords:** Court, tribute, tribute, booty, gift.

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.338604.3378>

## بررسی اقتصاد امویان با تکیه بر غنائم جنگی

تاریخ دریافت: ۱۸/۵/۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۷/۸/۱۴۰۰

حاجت سلیمانی<sup>۱</sup>

مهرداد افشون<sup>۲</sup>

رضا کیانی نیا<sup>۳</sup>

### چکیده:

در اوایل هجرت پیامبر به مدینه منابع مالی درآمدهای مسلمین ناچیز بوده و غنایمی را که مجاهدان مسلمان از جنگ‌ها به دست می‌آوردند بلافاصله پس از خاتمه جنگ بین خودشان تقسیم می‌کردند تا اینکه در سایه فتوحات بیشتر مسلمین و پیمان صلحی که با یهودیان و و نصاری و زرتشتیان متعهد شد مسأله جزیه و با فتح سرزمین‌ها و به دست آوردن راضی بسیار مسأله خراج پی ریزی شد و تا قبل از آن نیز منبع درآمد دولت اسلامی شامل زکات، خمس، غنائم جنگی و غیره ... می‌شد. بنابراین از نظر مالی چند منبع درآمد در دوره امویان وجود داشت. فتوحات و کسب غنائم بیشتر منجر به افزونی مال در قلمرو خلافت شد که این امر تشکیل دیوان را به راهنمایی ایرانیان به دنبال داشت. این مقاله بر آن است تا ضمن بازشناسی این منابع، زمینه‌ها و نتایج مترتب بر آن را نیز بازگو نماید. روش تحقیق، مطالعه تاریخی و به صورت تحلیلی و توصیفی می‌باشد که با استفاده از منابع اسلامی انجام گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که غنائم به دست آمده از فتوحات مسلمین در ایران از دیگر مناطق فتح شده بیشتر بود و این امر موجب افزایش ثروت دولت اسلامی شد. در واقع می‌توان گفت این غنائم سهم بزرگی در اقتصاد عصر اموی داشته است.

واژگان کلیدی: دیوان، خراج، جزیه، غنیمت، هدیه.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

گروه تاریخ اسلام، واحد مسجد سلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. (نویسنده مسئول) mehrdadafshoon@gmail.com

گروه تاریخ اسلام، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

منابع مالی دولت اموی، همان منابعی بود که از زمان خلیفه دوم و پس از گسترش فتوحات، در دسترس حکومت قرار گرفته بود. عمده ترین درآمدها، درآمد خراج و جزیه بود. زمین های فراوان عراق و ایران، درآمد زیادی داشت. این زمین ها در اختیار صاحبان اصلی آنان بود و دهقانان یا کدخدایان، خراج را از کشاورزان گردآوری کرده به حاکم عرب شهر تحویل می دادند. این اموال به عنوان بیت المال مسلمانان شناخته می شد. برای گردآوری خراج، دیوانی در عراق پدید آمد. در این دیوان، اطلاعاتی در باره مناطقی که می بایست خراج پرداخت کنند و مبالغی که باید پرداخت شود آمده بود. این دیوان در اصل اداره خزانه داری حکومت بود. تا زمان عبد الملک بن مروان، دیوان عراقی را ایرانیان اداره می کردند، چنان که در شام به زبان رومی و در مصر به زبان قبطی بود. به طور یقین، تجربه عراق برگرفته از پیشینه ایرانی و ساسانی دیوان بوده است. تا آن زمان تنظیم دیوان در عراق، به زبان پهلوی بود. حجاج که خوی عربی گری داشت، مصمم شد تا زبان دیوان را در همه نقاط به عربی برگرداند. دیوان مزبور در اختیار زادن فروخ بود که پس از کشته شدن وی، به دست صالح بن عبد الرحمن که به فارسی و عربی تسلط داشت افتاد. حجاج وی را مامور ترجمه کرد. گفته اند که پسر زادن حاضر شد صد هزار درهم به او بدهد تا از این کار صرف نظر کند، اما وی نپذیرفت. به هر روی این اقدام، سبب شد تا از نفوذ ایرانیان در کار دیوان کاسته شود. دیوان جدیدی که زمان معاویه پدید آمد، دیوان خاتم بود که به قصد دقت در نگارش نامه ها و مهر و موم کردن آن ایجاد شد. دلیل ایجاد آن این بود که معاویه مبلغی پول ضمن نامه ای حواله کرده بود و شخصی که نامه را در اختیار داشت، صد هزار درهم را به دویست هزار درهم تغییر داد! این مساله سبب شد تا دیوان خاتم یا دیوان مهر پدید آید.

حکومت اشرافی امویان، هزینه های بیشتری را می طلبید و همین سبب شد تا در کار خراج، سخت گیری بیشتری شود. از جمله اقدامات حجاج این بود تا با ننگ داشتن روستاییان در روستاهای خود، اجازه ندهد تا زمین های حاصل خیز از کشت بیفتند و خراج کم شود. او کسانی را که از روستاها به شهرها می آمدند به زور به روستاها باز می گرداند.

قرار بر این بود تا جزیه از اهل ذمه گرفته شود. در ایران، کسانی که زرتشتی، نصرانی، یا یهودی بودند جزیه می پرداختند. این مالیات به طور سرانه و بر حسب توانایی شخص پرداخت کننده گرفته می شد. طبقات خاصی از مردم نظیر دبیران، دهقانان - کدخدایان - و روحانیان از پرداخت جزیه معاف بودند.

در اواخر قرن اول هجری که کم کم مردم ایران به اسلام می گرویدند، درآمد جزیه کاهش یافت. امویان از این امر به هراس افتاده گفتند: حتی اگر کسی از اهل ذمه مسلمان شود، باید جزیه را بپردازد. این امر برای سال ها مانع از گسترش اسلام در این نواحی بود. تنها در مدت کوتاه خلافت عمر بن عبد العزیز از این عمل خلاف شرع جلوگیری کرد. اما پس از وی بار دیگر روش ناپسند یاد شده ادامه یافت.

مسلمانان زکات می پرداختند و ماموران زکات در هر منطقه کار جمع آوری این مالیات را بر عهده داشتند.

غنائم جنگ نیز هنوز یکی از مهم ترین درآمدهای دولت اموی بود (فرامرز نسب و قائدان، ۱۳۹۱).

لذا می توان گفت در دوره امویان، به دلیل وجود تشریفات و ولخرجی های دربار و توجه فوق العاده دستگاه خلافت به امور دینوی، بر انواع و مقدار مالیات ها افزوده شد. انواع مهم مالیات دریافتی شامل مالیات ارضی (خراج و عُشر و در آمد صوافی)، مالیات سرانه (جزیه)، غنائم و هدایا بود. چگونگی گرفتن مالیات و برخورد عاملان وصول مالیات با مردم، تفاوت هایی با دوران های قبلی داشت که غالب مردم مناطق فتح شده و تحت

سلطه را از سیاست کلی امویان، به ویژه از سیاست های مالی آنان منزجر و آماده قیام برضد آنان کرد. یکی از عوامل اقتدار اقتصادی دوره اموی غنائمی بود که در طی فتوحات از کاخ ها و قصرهای پادشاهان به دست اعراب افتاد.

مسئله پژوهشی تحقیق حاضر، بررسی نقش غنائم جنگی در اقتصاد امویان است. این پژوهش اساساً درصدد پاسخگویی به سؤال ذیل است: غنائم جنگی در اقتصاد امویان چه نقش و جایگاهی داشته اند؟ فرضیه اصلی این پژوهش گویای این است که در دوره امویان غنائم بیشتر برای کسب مال و منال صورت می گرفت. این پژوهش بر آن است با تکیه روش تحقیق توصیفی- تحلیلی پس از گردآوری اطلاعات از منابع اصلی و تحقیقات، به بررسی اقتصاد امویان با تکیه بر غنائم جنگی بپردازد.

تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده می توان به کتاب هایی چون «خلافت اموی» کتابی از عبدالامیر عبدالدیکسون که با ترجمه گیتی شگری در سال ۱۳۸۱ توسط انتشارات طهوری روانه ی بازار کتاب گردیده است. این اثر، تحقیقی ژرف در زمینه ی تاریخ اسلام و یکی از پر آشوب ترین دوران آن؛ یعنی دوران حکومت عبدالملک مروان (خلافت ۶۵ - ۸۶ق) است. کتاب بررسی وضع مالی مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره اموی نوشته ابوالقاسم اجتهادی. ایشان اوضاع مالی و اقتصادی بلادعرب، ایران و روم شرقی هنگام ظهور اسلام را بررسی کرده و در فصلی دیگر که مربوط به امویان بوده بیشتر درآمدهای خود دولت اموی را بررسی کرده ولی اشاره چندانی به غنائم جنگی این دوران و نقش آنها در وضعیت اقتصادی امویان نکرده است. کتاب دولت امویان از محمدسهیل طقوش ترجمه حجت الله جودکی (۱۳۹۸) این کتاب به طور کامل تمام دوران اموی را به همراه منابع مالی و اقتصادی و مرز حکومت آنها بیان کرده و در خصوص موضوع مورد بحث مطالب بسیار اندکی دربردارد.

از جمله مقالاتی که در این زمینه وجود دارد می توان به پژوهش فرامرز نسب و قانندان (۱۳۹۳) با موضوع پیامدهای مالیات ها و درآمدهای نامشروع بر اقتصاد عصر اموی پرداخت. در این نوشتار آمده است که با روی کارآمدن امویان، تغییرات بسیاری در سیاست های خلافت اسلامی به وقوع پیوست؛ اصولاً ماهیت خلافت اموی، با سیره حکومت نبوی و خلفای راشدین نه تنها متفاوت بود، بلکه در تعارض نیز قرار می گرفت؛ زیرا حکومت آنان مبتنی بر اشرافیت و ساختار نظام قبیله ای بود که ریشه در عصر جاهلیت داشت؛ گاهی نیز متأثر از سنت سیاسی سرزمینهای فتح شده بود. چنین نظامی برای اداره ی خود به ثروت بسیاری نیازمند بود و تنها راه کسب آن را توسعه فتوحات و افزایش میزان مالیاتها می دانست. گسترش دامنه فتوحات تا ماوراءالنهر که در زمان معاویه اتفاق افتاد، تصرف مناطق شمالی آفریقا تا اندلس در جنوب اروپا، قلمرو وسیعی از سرزمینهای حاصلخیز و پر نعمت را در اختیار امویان گذاشت، نتیجه چنین سیاستی، منجر به رشد نظامی گری، توسعه نظام اداری و نظام اقطاع شد. روند رو به رشد نظامی گری و توسعه نظام اداری که لازمه چنین سیاستی بود، هزینه های تازه ای بر خلفای اموی تحمیل می کرد، سبب شد تا امویان راههای متفاوتی برای کسب ثروت از جمله مالیاتهای غیر شرعی همچون اخذ جزیه از تازه مسلمانان، هدیه نوروز و مهرگان مربوط قبل از اسلام و «مکس» با تفکر پادشاهان روم و ایران قبل از اسلام از جمله بدعتهای مالی امویان به شمار می آیند. در این مقاله تلاش می گردد که با رویکردی تحلیلی تاریخی، پیامدهای مالیات ها و درآمدهای نامشروع بر اقتصاد عصر اموی مورد بررسی قرار گیرد. سعیدیان (۱۳۹۴) به بررسی منابع درآمد مالی امویان در خراسان پرداخت. این مقاله بر آن است تا ضمن بازشناسی این منابع، زمینه ها و نتایج مترتب بر آن را نیز بازگو نماید. روش تحقیق، مطالعه تاریخی و به صورت تحلیلی و توصیفی می باشد که با استفاده از منابع اسلامی انجام گرفته است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که بخش

مهمی از سیاست مالی امویان در خراسان برگرفته از تغییر در احکام مالی و به کارگیری قواعد سنتی و عرفی بود. در نتیجه به جز در موارد خاص و محدود پذیرش اسلام، تغییری در منابع مالی خراسان ایجاد نکرد. پیامد این امر گسترش نارضایتی های عمومی و ظهور جنبشهای اجتماعی متعدد بود.

### سیستم مالی امویان

متأسفانه اطلاعات ما در مورد دستگاه مالی امویان بسیار نادر است، زیرا قدیمی ترین مآخذ عصر اسلامی، مربوط به دوره عباسیان است که آن ها نیز غالباً به رویدادهای سیاسی و تاریخی پرداخته اند و جز اشاره های ضمنی و جنبی، توجه مخصوصی به دستگاه و سازمان مالی ننموده اند. بنابراین نمی توان تصویری روشن از وضع مالیه امویان ارائه نمود. البته اگر چه قوانین مالیاتی اسلام در کتاب های فقها از ابویوسف تا ماوردی و هم چنین مجموعه های حدیث، ساده و روشن می نماید، اما در واقع پیچیده و مشکل است. (اشپولر، ۱۳۶۹: ۲/ ۳۰۸ - ۳۰۹)

بنی امیه موالی را به پرداخت جزیه و مالیات وامی داشتند که این نیز به تحقیر موالی می انجامید و فشار اقتصادی فراوانی بر نان تحمیل می کرد. موالی تازه مسلمان در دوران امویان هرگز از وضع خود خشنود نبودنی؛ زیرا از سویی شهروندان درجه دوم شمرده می شدند و جایگاه اجتماعی و حقوقی درخوری نداشتند؛ چنانکه نان را برده می دیدند و از سوی دیگر، وضع اقتصادی خوبی نداشتند. درآمد حکومت پیش از این، بیشتر از طریق نامسلمانان در قالب جزیه و خمس و غنائم جنگی فراهم می آمد، اما با کاهش سرعت فتوحات، خمس غنائم جنگی نیز سخت فروکاست. از سوی دیگر، شمار فراوانی از نامسلمانان آرام آرام به اهل ذمه مسلمان بدل شدند و بنابر قانون اسلام، دولت حق نداشت از نان جزیه بگیرد. امویان تصمیم گرفتند به رغم مسلمان شدن غیر عربان، همچون گذشته از نان مالیات، جزیه و خراج بستانند. این مسئله موالی نومسلمان را خوار و فشار مالی فراوانی بر آنان تحمیل می کرد. بنابراین، حقوق اجتماعی و انسانی در عهد بنی امیه، از قانون اسلامی منحرف شد و نان تعصبات قومی - قبیله ای و عربی را بر قانون های اسلامی راجح می دانستند.

با اذعان به نکته یاد شده و اعتراف به نقص کار در مورد مسائل مالی، ابتدا لازم است اشاره ای کوتاه به نظام مالی مسلمانان در عهد خلفای راشدین بنماییم که نظام موجود در آن اساس نظام مالی امویان است.

می دانیم که در آغاز دوره اسلامی، همه مسلمانان (سابقه اخذ مالیات پیش از امویان) زیر بار نظام دارایی اسلام بودند و هر کس خود، زکات مالش را به پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می پرداخت و عاملانی برای وصول و جمع آوری مالیات وجود نداشت، ولی با گسترش اسلام در سال های پایانی زندگی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آن حضرت تدابیری اتخاذ کرد و گروهی را برای جمع آوری صدقات معین نمود. هم چنین پس از فتح پاره ای از سرزمین های یهود و نصارا، به درخواست خود صاحبان آن ها، اراضی را به آن ها واگذار و سهمی در محصول زمین ها برای مسلمانان معین نمود و یا در بعضی جاها مثل تبوک، بر مردم جزیه مقرر کرد و اندازه آن را نیز به عهده عاملان وصول آن نهاد. بنابراین، نظم مالی در صدر اسلام، بدون پیچیدگی و ساده بود (فاروق عمر، ۱۳۸۸: ۱۰۰) و عواید مالی در این دوره، عبارت بود از: زکات که از مسلمانان دولت مند می گرفتند، غنیمت که در جنگ به دست می آمد و جزیه که از یهود و نصارای عربستان گرفته می شد.

با گسترش قلمرو اسلام و دست یافتن مسلمانان به سرزمین های اطراف، سازمان مالی در دوره خلفای اولیه توسعه یافت که برای فهم آن باید از طرفی با جریان فتح ها و از طرف دیگر به سازمان مالی امپراطوران قبلی

توجه داشت. نخستین فردی که در دوره اسلامی به سازمان مالی تقریباً نظم بخشید، عمر بن خطاب بود. او با استفاده از تنظیمات محلی در سرزمین های مفتوحه و مقداری تعدیل برای مطابقت دادن سازمان های محلی با مبادی اسلام، اقداماتی را در این زمینه انجام داد. (فاروق عمر، ۱۳۸۸: ۱۰۰ و ۱۰۱)

در مورد این مطالب که چه عاملی سبب تأسیس دیوان و ایجاد تشکیلاتی برای کنترل دخل و خرج مسلمانان شده است، اختلاف نظر وجود دارد. برخی براین عقیده اند که علت تشکیل دیوان، زیاد شدن مال بوده است. (دستی، ۱۳۸۱: ۳۱) طبق برخی گزارش ها ابو هریره عامل عمر در بحرین، به هنگام بازگشت به مدینه اموال زیادی (در حدود پانصد هزار درهم) به مدینه آورده بود. او به هنگام نماز مغرب به دیدن خلیفه رفت و پس از گزارش کار خود، خلیفه را در جریان اموال آورده شده، قرار داد. عمر از کثرت آن تعجب نمود و حتی خیال کرد که شاید این اموال از راه غیر شرعی و ظلم و ستم از مردم گرفته شده است، ولی وقتی ابوهریره قسم یاد کرد که اموال طبق موازین شرعی جمع آوری شده است، عمر از حاضران در مسجد، در خصوص مصرف آن ها سؤال کرد. مردی (که قول ابن طقفی یکی از مرزبان ایران بوده است) (ابن طقفی، ۱۳۹۰: ۱۳) به خلیفه گفت که ایرانی ها برای اموال خود و مصارف آن دفتهایی دارند که دیوان نامیده می شود و در آن، اموال، عطایا و مخارج را ضبط می کنند. شما هم اگر چنین دفاتر و دیوانی تشکیل دهید می توانید این اموال را در آن نگهداری کنید و در موقع خود و در فرصت لازم استفاده نمایید. خلیفه این پیشنهاد را پسندید و به تدوین دیوان امر کرد. (مقریزی، ۱۴۱۶: ۱/ ۱۶۴)

برخی دیگر عقیده دارند که خلیفه دوم لشکری را تجهیز کرده بود تا به نقطه ای بفرستند در این هنگام هرمزان ایرانی نزد خلیفه بود. هرمزان به خلیفه گفت که لشکری تجهیز و به هر نفر، مبالغی پرداخت کرده ای، اگر یکی از آن ها از رفتن خود داری کند از کجا خواهی فهمید؟ آیا بهتر نیست که دیوان ترتیب دهی تا بدانی چه کسی پول گرفته و چه شخصی از رفتن خودداری کرده است؟ عمر توضیحات بیشتری درباره این گونه دیوان خواست و هرمزان توضیح لازم را داد و سپس عمر نظر او را پسندید و دستور تشکیل چنین دیوانی را داد. (ناصر ستوده، ۱۳۸۶: ۱/ ۴۶۷) برخی هم عقیده دارند که سیاست عمر در تدوین دیوان، متأثر از نظام ملوکی شام بوده است. (مسکویه، ۱۳۸۰: ۱/ ۳۷۴)

بی شک، نظام مالیاتی که در تشکیلات خلافت اسلامی در این عهد به وجود آمد، از مقررات و قوانین حاکم بر جوامع سرزمین های فتح شده تأثیر پذیرفته بود و «دواوین» پیشین به عنوان مرجعی قابل اعتماد مورد استفاده بود. (مقریزی، ۱۴۱۶: ۱/ ۱۷۵) مثلاً الگوی خراج که در نظام مالیاتی اسلامی براساس آن عمل می شد، به طور کلی (به تصریح مآخذ اسلامی) از سیستم مالیاتی امپراتوری ساسانی پیروی می کرد، (ماوردی، ۱۳۸۳: ۱۴۸) زیرا این سیستم در ایران سابقه ای طولانی داشت. (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۳۴) به هر حال، عمر بن خطاب با دسته بندی اراضی مفتوحه و وضع خراج و مقرر نمودن جزیه بر اهل کتاب، ساختمان تنظیمات مالیه اسلامی را به وجود آورد (ماوردی، ۱۳۸۳: ۷۴) که بعد از او هم به آن عمل شد.

با به قدرت رسیدن امویان اگر چه شکل کلی سازمان مالی در عهده خلفای راشدین، حفظ گردید، ولی سیاست مالی امویان تفاوت فاحشی با آن دوره پیدا کرد. این سیاست را معاویه، بنیان گذار سلسله اموی در پیش گرفت و جانشینان او نیز آن را دنبال نمودند. معاویه پس از آن که آرامش را در قلمرو خود برقرار کرد، به دستگاه مالی

توجه خاصی نشان داد و درصدد تقویت بنیه مالی خود برآمد و به پیروی از سلاطین گذشته در راه افزایش در آمد، گام برداشت.

و برخلاف روش پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) و خلفای راشدین، همت خود را صرف امور دنیوی نمود (جرجی زیدان، ۱۳۷۳: ۴/۶۹۳) و برای استحکام پایه های سلطنت خود، به رشوه و بذل و بخشش روی آورد، زیرا او می دانست که مردم یا دست کم هم جنسانش تا چه اندازه بنده زر و زور هستند. بنابراین، نیاز به در آمد فراوان داشت که برای به دست آوردن آن، سیاست مالی زیر را اتخاذ کرد:

۱. به منظور کنترل کامل درآمد مناطق مختلف، سعی کرد از افراد مورد اعتماد برای اداره مالیه استفاده کند، چنان که عبدالله بن دراج را مأمور خراج عراق نمود او با خشک کردن باتلاق های بین بصره و کوفه، املاک زیادی را برای معاویه فراهم کرد و معاویه از این راه، بالغ بر پنج میلیون درهم درآمد کسب نمود و نیز تمام خالصه های ساسانیان را در عراق تصاحب کرد. (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۷ و ۱۲۰)

۲. مالیاتی را که مورد تصویب اسلام نبود و قبلاً ایرانی ها به نام هدایای نوروژی و مهرگان به سلاطین خود می پرداختند، دوباره برقرار کرد (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۵۳) و بدین سان وی دقیقاً نمونه ای از پادشاهان قبل از اسلام و عصر جاهلی شده و وصیت پدر را که گفته بود، خلافت را به پادشاهی تبدیل کنید، به خوبی شکل خارجی بخشید. خلاصه معاویه از راه دریافت مالیات و غیره میلیون ها درهم به دست آورد. (یعقوبی، بی تا، ۲/۱۶۷)

۳. برای بالا بردن سطح درآمد، عمال خود را تحت فشار قرار داد که تحت هر شرایطی، مبلغ معهود را اخذ کنند و به مرکز خلافت ارسال دارند، زیرا معاویه در این زمان، حقوق لشکریان خود را به دو برابر افزایش داده بود و حدود شصت هزار سپاهی در شام حقوق بگیر او بودند. (فاروق، ۱۳۸۸: ۱۲۷) علاوه بر این، معاویه به تقویت نیروی دریایی نیز علاقه مند بود.

بنابراین، طبیعی به نظر می رسد که هم معاویه و هم اخلاقی بر عناوین مالیات و مقدار آن بیفزایند، چنان که در عهد عبدالملک بن مروان، حجاج عامل سرزمین های شرقی خلافت، در خراسان و سیستان، از هر نفر سه دینار اخذ می کرد و قبل از او و بعد از او هم، هر سال مبالغ هنگفتی به عنوان جزیه و خراج و نیز تحفه ها و هدایا از مردم اخذ و به دستگاه خلافت پرداخت می شد. (سیستانی، ۱۳۴۵: ش ۲، ۲۵/۱۱)

یکی از خصوصیات دستگاه مالی امویان این بود که خزانه دولت، جزء دارایی مردم محسوب نمی شد و در واقع، خاص خلیفه و زیر نظر مستقیم او بود و او با دستی باز، از آن بذل و بخشش می کرد. (امیرعلی، ۱۳۶۶: ۱۹۲) از میان خلفای اموی، فقط سیاست مالی عمر بن عبدالعزیز با دیگران تفاوت داشت؛ او مالیات های غیر شرعی را ممنوع کرد و جز او سیاست معاویه به جانشینان وی ثابت کرده بود که با به کار انداختن پول و بذل و بخشش می توانند به موقع مسیر حوادث را به نفع خود تغییر دهند. (طه حسین، ۱۳۳۹: ۲۵۷) چنان که یزید بن معاویه که فردی بی کفایت و در امور مالی فوق العاده بی بندوبار و ولخرج بود، برای اهداف سیاسی یا شخصی آن چنان بذل و بخشش های فراوان می کرد که به سختی می توان آن را با روش عاقلانه و منطقی تطبیق داد. او به عبدالله بن حنظله و هیئت اعزامی مردم مدینه به شام مبالغ هنگفتی به عنوان بخشش و دل جوئی پرداخت، ولی عبدالله

این عمل یزید را سفیهانه قلمداد کرده و مردم مدینه را علیه او بسیج نمود و قیام حرّه شکل گرفت. (طبری ۱۳۴۶: ۲۴۲/۵)

هم چنین عبدالملک بن مروان برای به زانو در آوردن زبیری ها به سیاست بذل و بخشش متوسل شد و مردم عراق که حسّت ابن زبیر و بذل و بخشش عبدالملک را دیدند به مصعب بن زبیر پشت کردند. (ابن عبدربه، ۱۴۰۳، ۴/۴۱۰)

بنی امیه و حکام آن ها به علت پای بند نبودن به مبانی اسلام توانستند از اموال عامه در راه تطمیع و جلب تأیید مردم به خوبی استفاده کنند و موقعیت سیاسی خود را تحکیم نمایند. (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۱۳۱) به عنوان نمونه، حجاج بن یوسف به همان اندازه که در خون ریزی سر آمد بود، دست و دل باز بود و شاید عمده موفقیت او در عراق و ایران همین بود که رقیب را به هر حال با پول یا بازور از میدان خارج می کرد. البته این بذل و بخشش ها با اموال مردم انجام می گرفت و فشار برای کسب در آمد چنان بود که گروهی از مردم برای بیرون آمدن از زیر با سنگین جزیه اسلام می آوردند. (احمد امین، ۱۳۵۸: ۱۲۴)

در این دوره، فرمانروایان تازی گاهی هم دست یا زیردست خود را می فرستادند و ناحیه ای را به ایشان به مقاطعه می دادند که در سال مبلغ معینی زر و سیم و کالا برای ایشان به دمشق بفرستند و ناچار ایشان را آزاد می گذاشتند که هر چه می خواهند انجام دهند و تنها منتظر بودند اموالی را که برعهده ایشان گذاشته شده بود، روانه کنند. قهراً فرمانروایان، چند برابر آن چه رابرهده داشتند از مردم می گرفتند و سهم خلیفه را می دادند و بازمانده را خود برمی داشتند. (نفیسی، ۱۳۴۲: ۱۲۵)

### انواع مالیات در دوره امویان

۱. مالیات ارضی (خراج، عشر و درآمد صوافی)؛

۲. مالیات سرانه (جزیه)؛

۳. غنایم؛

۴. هدایا. (امیرعلی، ۱۳۶۶: ۱۹۲)

### غنیمت

فی و شامل آن چیزهایی می شود که در جنگ از مشرکان به مسلمانان رسیده (داوودی، ۱۴۲۷: ۴۲۲) و خمس آن به بیت المال اختصاص می یابد (ابن زنجویه، ۱۴۲۷: ۳۲۰). اما تفاوت فی با غنیمت در آن است که مال فی بدون زور و با رضایت به دست می آید در حالی که غنیمت با زور گرفت می شود. به علاوه موارد مصرف چهار پنجم غنیمت با چهار پنجم فی تفاوت دارد (ماوردی، ۱۳۸۳: ۲۶۳). مطابق با آرا فقهی، فی از حقوق بیت المال بوده و غنایم حق کسانی است که در جنگ با دشمن حضور داشته اند. از این رو حاکم اجازه دارد تا از خمس آن چنانچه از حقوق بیت المال است؛ برای مصالح عمومی مصرف کند (ماوردی، ۱۳۸۳: ۴۲۶). این قاعده البته در قرن اول هجری رواج داشت (بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۶۴). اما امویان برخلاف معمول دستور می دادند غنایم، مستقیماً به خزانه



وصول گردد (همان، ۶۳۲). مصداق این مدعا دستور معاویه به حکم بن صبیح (طبری، ۱۳۷۵: ۲۸۱۲/۷) و سلیمان بن عبدالملک به قتیبه بن مسلم باهلی بود (همان، ۳۸۶۳/۹)

غلبه مسلمانان بر دشمن، غنایمی را نصیب آنها می کرد که غالباً مقدار آن قابل توجه بود (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۱۱/۳) غنایمی که از فتوحات عبیدالله بن زیاد در شرق (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۲۶۷/۵) مقابله اسد بن عبدالله با خاقان (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۹۲/۷) و رویارویی قتیبه بن مسلم باهلی با ترکان به دست آمد (طبری، ۱۳۷۵: ۳۸۸۸/۹) قابل توجه بود.

با روی کار آمدن امویان تغییرات بارز در روابط اعراب با ایرانیان مشاهده شد. خلافت اموی ماهیتاً با حکومت خلفای راشدین فرق داشت و مبتنی بر اشرافیت قبیله ای بود که ریشه در جاهلیت داشت. اشرافیت برای اداره امور خود و اطرافیان نیاز شدیدی به تجمع ثروت داشت. طبیعی است که برای کسب ثروت بیشتر، تنها راه، گسترش فتوحات و افزایش مالیات ها بود. گسترش فتوحات موجب رشد نظامی گری و همچنین توسعه سیستم اداری برای ضبط و ثبت امور می شد و این امر خود ثروت بیشتری را طلب می کرد (مفتخری، ۱۳۷۹: ۶۴-۶۵). در دوره معاویه و جانشینان او اکثر شهرهایی که به صلح فتح شده بودند به علت فشار امویان و دلایل دیگر درگیر جنگ با عمال حکومتی شده و مجدداً به جنگ فتح شدند. حکومت اموی نیز مایل به شورش شهرها بود زیرا فتح به جنگ امتیازات و شرایط بهتری در اختیار اعراب می گذاشت. بر همین اساس بود که عبیدالله بن زیاد عامل معاویه در خراسان هفت بار منطقه تخارستان را فتح کرد (مقدسی، ۱۳۶۵: ۶/۶) و قتیبه بن مسلم منطقه خوارزم را که به صلح فتح شده بود و مردمش عهد خود را نشکسته بودند، مجدداً فتح کرد (طبری، ۱۳۷۵: ۳۸۵۲-۵۳/۹). هدف این گونه جنگ ها کسب غنیمت بود نه نشر اسلام، چنانکه از گفته سعید خذینه والی اموی در خراسان می آید، قسمتی از این نواحی را اعراب بستان امیرالمومنین و در واقع طعمه خویش تلقی می کردند. (ابن اثیر، بی تا: ۲۹۲۴/۷)

غنایم یکی از منابع مالی حکام بنی امیه بود. عمده ترین غنایم بدست آمده در دوران امویان مربوط به دوره حکومت قتیبه بن مسلم در خراسان و ماوراءالنهر است که فتوحاتش در مناطق وسیع و ثروتمندی انجام گرفت. ارتش های اعراب با فرماندهی قتیبه بن مسلم و با پشتیبانی حجاج بن یوسف و ولید بن عبدالملک در مشرق خراسان با گذشتن از رود جیحون یا آمودریا به فتح شهرهای ماوراءالنهر دست زدند. قتیبه در سایه امکانات نظامی که هزینه فراوانی را می طلبید، توانست تخارستان را تصرف نماید. بخارا در سال ۸۷-۹۰ فتح کند و فرمانروایی عربها را در نواحی رود جیحون برقرار سازد و دامنه آن را تا سغد بکشاند. قتیبه شهرهای بخارا، بیکنند و سمرقند را تصرف کرد و شورش نیزک را درهم شکست. او فتوحات خود را در شهرهای ماوراءالنهر تا زمان خلافت سلیمان بن عبدالملک ادامه داد و غنایم بی شماری در این جنگ ها بدست آورد که نظیر آن را تاکنون در خراسان بدست نیاورده بودند چنانکه پس از فتح سمرقند یکی از شاعران شعری به این مضمون سرود: (طبری، ۱۳۷۵: ۳۸۶۵/۹)

هر روز قتیبه به تصرف می آورد و مالی تازه بر اموال می افزایشد،

این باهلی که تاج بدو دادند و سرها که سیاه بود،

از بیم وی سفید شد سغد را با دسته های سوار بکوفت،

وسغدیان را در بیابان رها کرد که فرزند بر فقدان پدر می‌گریید، و پدر غمین بر فرزند اشک می‌ریزد به هر شهری جای گیرد یا سوی آن رود، سوارانش در آنجا گودالی به جای نهند.

شیوه قتیبه بن مسلم در فتوحات شرکت دادن بیشتر مردم بومی در کشورگشایی های آینده اش بود. توده مردم کشاورزان ایرانی و عرب در خراسان در برابر سختگیری فرماندهی او و نیروهای ارتش های عربی و تسلط اشراف عرب و ایرانی چاره ای جز تسلیم نداشتند (الخطیب، ۱۳۵۷: ۱۹). در این موقع بود که عده ای از اهل ثروت، سمرقند را ترک و از آنجا مهاجرت نمودند. قتیبه بن مسلم در بخارا نیز مانند مرو مسلمان را در خانه های مردم بومی جای داد. ولی بسیاری از بزرگان آنجا بر آن شدند که شهر را ترک گویند و در بیرون از شهر خانه های جدیدی برای خود بسازند. زیرا قتیبه می‌خواست این شهر را به تکیه گاهی برای پیشرویی به سوی شرق تبدیل نماید. مردم شهر ناچار بودند مالیات بپردازند و هم هزینه سپاهیان اعراب مسلمان را تدارک کنند. و این باری بس گران بر دوش آنها می‌نهاد. (نرشخی، ۱۳۸۸: ۶۷)

یکی از درآمدهای مهم دولت در قرن نخستین اسلامی، غنیمت بود. مسلمانان صدر اسلام برای بسط و توسعه اسلام دست به فتوحات می‌زدند. این امر در دوره امویان بیشتر برای کسب مال و منال صورت می‌گرفت، چنان که در زمان معاویه، زیاد (عامل عراقین) به حکم بن عمرو (والی خراسان) نوشت که مردم کوهستان «آشل» سلاح پوستی و ظروف طلایی دارند. والی خراسان به جنگ آنان رفت و غنایم بسیار به همراه آورد. زیاد از قول معاویه به والی نوشت که معاویه به او نوشته است که طلا و نقره و تحفه ها را برای وی برگزینیم. دست به چیزی زن تا این چیزها را کنار نهد. (طبری، همان، ۷/ ۲۸۱۱ و ۲۸۱۲). «آشل» کوهی در مرز خراسان است که حکم بن عمرو غفاری حاکم خراسان از سوی زیادبن ابیه در آن جا غذا کرد.

هم چنین وقتی مهلب، عامل امویان در خراسان، خبر فتح گرگان را به سلیمان بن عبدالملک خلیفه اموی نوشت، یادآور شد که در این جنگ پس از آن که هر صاحب حقی نصیب خود را از غنیمت جنگی برداشته است، شش هزار دینار باقی مانده است. (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۸۱)

اعراب از دوره عثمان به بعد آن چنان به مادیات گرایش نشان داده بودند که حتی به غارت و غنیمت بردن اموال شخصیت های مهم اسلامی خود نیز ابایی نداشتند، چنان که در جریان قیام علیه خلیفه سوم، اموال او را به غارت بردند یا در نهضت مقدس امام حسین (علیه السلام) بسیاری از سپاهیان به منظور کسب غنیمت شرکت کرده و حتی با بی شرمی ساده ترین وسایل زندگانی اهل بیت (علیهم السلام) را به غارت بردند و طبیعی بود که برای بسیاری از اعراب و حکام فاسد آن ها هدف از جنگ، کسب ثروت بود.

مسلمانان طبق حکم خدا و رسولش در جنگ با کفار پس از اتمام حجت و دعوت به اسلام می‌توانستند اموال ایشان را به غنیمت بگیرند و افرادشان را به اسارت ببرند و در صورت دادن فدیة آزاد نمایند و اموال غیر منقول را نیز از همان ابتدا و زمان عمر، پس از تسلط به مالکان آن ها داده و خراج دریافت کنند. اموال منقول را نیز موجب آیه قرآن به پنج قسمت تقسیم می‌کردند و خمس آن را به رهبر اسلامی می‌دادند. (ماوردی، ۱۳۸۳: ۱۳۸ و ۱۳۹) و بقیه را میان سپاهیان تقسیم می‌کردند.

معاویه از غنایم جنگی که متعلق به جنگجویان بود، نمی‌گذشت. او هنگامی که اطلاع یافت، حکم بن عمرو در نبرد کوهستان اشل غنایم فراوانی بدست آورده است، به زیادبن ابیه دستور داد که به او نامه بنویسد و فرمان دهد که به غنایم دست نزند و طلا و نقره و تحفه‌ها را برای او برگزیند. زیاد چنین کرد. ولی حکم که مردی متدین و مقید بود، در جواب نوشت: «اما بعد، نامه تو رسید که گفته بودی امیر مومنان دستور داده است که طلا و نقره و تحفه‌ها را برای او برگزینم و دست به چیزی نزنم، ولی کتاب خدا پیش از نامه امیر مومنان است». حکم بن عمرو پس از این جواب قاطع به زیاد بن ابیه خمس غنایم را جدا کرد و باقی را میان آنها تقسیم کرد (طبری، ۱۳۷۵: ۲۸۱۲/۷).

زیادبن ابیه، خراسان را پایگاهی مهم برای جنگ با بلاد ماوراءالنهر و جایی ثابت برای عرب قرار داد که پس از آن از مهم‌ترین اقلیم دولت اسلامی شد. زیاد تحفه‌های بسیاری به معاویه تقدیم می‌کرد. از جمله گردن بندی از جواهر گرنه‌ها بود که توجه معاویه را جلب کرد. در این هنگام زیاد به او گفت: «یا امیرالمؤمنین، من عراق را زیر فرمان تو درآوردم و از خشکی و دریا و بی‌بار و باردار آن برایت مالیات گرفتم و مغز و پوست آن را برایت فرستادم.» (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۵۶-۵۵)

زیادبن ابیه از جمله کسانی بود که کار معامله روی اموال غنایم را انجام می‌داد و از این طریق سود کلانی به جیب خود سرازیر می‌کرد (دینوری، ۱۴۱۰: ۱/۱۷۵).

با مرگ زیادبن ابیه در سال ۵۳ هجری، معاویه عبیدالله بن زیاد را به حکومت خراسان و عراق گماشت. عبیدالله در نبردی که با خاتون بخارا داشت، فاتح شد و بخش وسیعی را به قلمرو مسلمانان افزود. (بلاذری، ۱۳۶۷: ۱۷۵). او اموالی را همراه با چهارهزار برده به غنیمت گرفت (گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۳۸).

بعد از خلفای راشدین شور جهاد و عقاید دینی خاموش شده بود و بیشتر برای پول و غنیمت جنگ می‌کردند. (جرجی زیدان، ۱۳۷۳: ۱۳۲).

اعراب مسلمان در دوره امویان از همه عوارض مالیاتی معاف بودند و از غنایم جنگ نیز سهم می‌بردند (فان فلوتن، ۱۳۲۵: ۵۷).

امویان علاوه بر خراج مستغلات درآمدهای دیگری از بابت غنایم و فتوحات دریافت می‌کردند. چنانکه یک قلم آن که از سند به دست آمد: ششصد و پنجاه هزار و هشتاد میلیون (۸۰/۰۰۰/۰۰۰) درهم بسوی خلیفه روانه گردید و چندین برابری آن در میان سپاه تقسیم گردید. (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۸۳) نمونه دیگر در نتیجه پیروزی اعراب بر اسپاهبذ طبرستان، او موظف گردید سالانه مبلغ هفتصد هزار درهم (۷۰۰/۰۰۰) و چهارصدبار زعفران یا معادل آن پرداخت نماید و همچنین تعهد کرد که چهارصدمرد مسلح در اختیار خلیفه بگذارد که هر کدام از آن‌ها یک سپر و یک طیلسان، ظرفی از نقره یا قطعه‌ای ابریشم یا یک شئل همراه داشته باشد (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۸۴). زمانی هم حجاج از فتح سند شصت میلیون (۶۰/۰۰۰/۰۰۰) درهم بدست آورد (یعقوبی، بی تا: ۲/۲۶۲). ابن خردادبه می‌نویسد: محمدبرادر حجاج بن یوسف در مولتان به خانه‌ای دست یافت که چهل بهار طلا در آن یافت شد. هر بهار معادل سیصدوسی و سه من است که مبلغ آن (۲/۳۹۷/۶۰۰) مثقال طلا بود (ماوردی، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

در دوره ی عمر بن عبدالعزیز یکی از اقدامات او بازگرداندن اموال عمومی به بیت المال بود. از حکام دست نشانده که اموال و غنایم را خود برداشته و به بیت المال نفرستاده بودند، تقاضای استرداد اموال و غنایم را کرد و در همین رابطه از یزید بن مهلب غنایم فتح گرگان مطالبه شد. یزید بهانه آورد، عمر گفت راهی جز زندانی کردن تو ندارم. از خدا بترس و هرچه نزد تو است به بیت المال پرداز. زیرا آن مال، حقوق مسلمین است و من نمی توانم از آن بگذرم، چون یزید آن مال را نداد، عمر او را زندانی کرد و تا پایان خلافت او در زندان بود (طبری، ۱۳۷۵: ۹/۳۹۵۷).

اموالی که به عنوان فیء به بیت المال می رسید، به شرح زیر است:

۱. آنچه در اثر عقد صلح از اهل ذمه به عنوان جزیه و خراج می گرفتند تا در نتیجه آن مال و جان آنان در پناه مسلمانان باشد.

۲. عشر: مالیاتی است که از اموال تجارتي كفّار حربي که برای تجارت داخل بلاد مسلمین بدست می آید. الف. زمین هایی که صاحبان آن، اعم از عرب و عجم، بر روی آن به دلخواه خود اسلام می آوردند. همانند مدینه و یمن.

ب. زمین های مواتی که مسلمانان احیا می کردند.

ج. زمین های مفتوح العنوه بر مذهب شافعی.

ر. زمین های اقطاعی. البته این به نظر خلیفه بستگی داشت و هر گونه مصلحت می دید، عمل می شد. او می توانست از این زمین ها دو عشر (۲/۱۰) دریافت کند و در صورتی که از نهرهای خراج آبیاری می شد، دارنده اقطاع می بایست خراج کامل بدهد.

هـ. زمین های مردمی که جزیه از آنان قبول نمی شود مگر اسلام آورند یا به قتل رسند و نیز سرزمین بت پرستان عرب

۳. اراضی و اموال غیر منقول که در جنگ نصیب مسلمانان می شد. مانند اراضی سواد عراق که خلیفه دوم، آنها را با عوایدی که داشت به ملکیت عموم مسلمانان در آورد و اجازه داد که اهالی، با پرداخت خراج معینی همچنان از آن بهره برداری کنند.

۴. اموالی که پس از جنگ، از بلاد کفار به دست مسلمانان می افتاد.

۵. اموالی که در اثر صلح و بدون جنگ عاید مسلمانان می شد (سپهری، ۱۳۸۰).

### نتیجه گیری

از درآمدهای دوره اموی علاوه بر مالیات که از زمین ها تحت عنوان خراج گرفته می شد، مالیات سرانه یا جزیه بود که به تقلید از ایران قدیم از افراد غیر مسلمان گرفته می شد مانند یهودیان، زردشتیان، مسیحیان و ... این دو درآمد یعنی خراج و جزیه که عمده آن ها از سرزمین ایران وصول می شد. یکی از عوامل اقتدار اقتصادی دوره اموی بود هم چنین غنائمی که در طی فتوحات از کاخ ها و قصرهای پادشاهان به دست اعراب افتاد باعث شد تا اعراب به ثروت زیادی دست یابند. منابع درآمد حکومت امویان عبارت بود از جزیه، خراج، زکات، فیه و مهمتر از همه جزیه و خراج، که طریقه دریافت این موارد در زمان هر یک از خلفا متفاوت بود. می توان چنین استنباط کرد، هرچند کتاب و سنت از منابع استخراج مسائل بوده اما در بعضی دوره ها سیاست های حاکمان در تحول نظام مالی و اقتصادی مؤثر بوده است. بخش عمده ای از سیاست های مالی امویان در خراسان با تغییر احکام اسلامی روی می داد. لذا تغییر آیین اهل ذمه تأثیری در عدم پرداخت مالیات برای آنان به وجود نمی آورد و می توان گفت سیاست های امویان در شرق خلافت اسلامی همگام با اهداف سیاسی — اقتصادی آنان بود. در دوران حکومت عمر بن عبدالعزیز، او ضمن تغییر عمال که ظلم و ستم بی شماری بر مردم روا می داشتند و از مردم بیش از آنچه باید بپردازند طلب می کردند. علاوه بر این می توان دریافت فتوحات در این عصر بیشتر برای کسب ثروت صورت می گرفت. آنان هم چنین به تقلید از پادشاهان ساسانی درآمدهای گزافی از راه هدیه به دست می آوردند. در این میان فقط عمر بن عبدالعزیز ( ۹۹ - ۱۰۱ ق) از دریافت هدایا خودداری می کرد و سیاست مالی او بادیگر بنی امیه متفاوت بود.

## منابع و مأخذ

## کتاب

- ابن اثیر، عزالدین. (بی تا). تاریخ کامل، مترجم: محمدحسین روحانی، نشر اساطیر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن. (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمی، بیروت.
- ابن خلدون. (۱۴۰۸ق). العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحاده، دارالفکر، بیروت.
- ابن طقطقی، محمدبن علی. (۱۳۹۰). تاریخ فخری: در آداب ملکداری و دولت‌های اسلامی، نشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن مسکویه، ابوعلی. (۱۳۸۰). تجارب الامم، دارسروش للطباعة والنشر.
- اجتهادی، ابوالقاسم. (۱۳۶۳). بررسی وضع مالی مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان، ناشر: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (سروش).
- احمد امین. (۱۳۵۸). پرتو اسلام، ترجمه عباس خلیلی اقدام، تهران، اقبال.
- احمد بن محمد، ابن عبدربه اندلس. (۱۴۰۳ق). العقد الفرید، بیروت، دارالکتب العربی.
- احمدبن علی مقریزی. (۱۴۱۶). مسوّدۀ کتاب المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار.
- اشپولر، برتولد. (۱۳۶۹). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، علمی و فرهنگی، چاپ سوم: تهران.
- امیر علی. (۱۳۶۶). تاریخ عرب و اسلام، ترجمه فخر داعی گیلانی، چاپ سوم: تهران، گنجینه.
- بلاذری، احمد. (۱۳۳۷). فتوح البلدان، ترجمه محمدتوکل، تهران: نقره.
- بلاذری، احمدبن یحیی. (۱۳۶۷). فتوح البلدان، محمد توکل، تهران: نشر نقره.
- جرجی زیدان. (۱۳۷۳). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
- جهشیاری، محمدبن عبدوس. (۱۳۴۸). الوزراء والکتاب، ابوالفضل طباطبایی، تهران: تابان.
- الخطیب، عبدالله مهدی. (۱۳۵۷). حکومت بنی امیه در خراسان، مترجم باقر موسوی.
- داوودی، احمد بن نصر. (۱۴۲۷). الأموال، تحقیق محمد احمد و علی جمعه، دارالسلام، قاهره.
- دیکسون، عبدالامیر عبد. (۱۳۸۱). خلافت اموی ۸۶ - ۶۵ ه.ق / ۷۱۵ - ۶۸۴ م: بررسی سیاسی، مترجم گیتی شکری، ناشر: طهوری.
- دینوری، ابن قتیبه. (۱۴۱۰). الامامۀ و السیاسه، تحقیق علی شبیری، ۲ جلد، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ج ۱.
- طبری، محمد بن جریر بن یزید. (۱۳۴۶). تاریخ الامم و الملوک، ناشر [بی نا] نشر: بیروت - لبنان.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
- طغوش، محمدسهیل. (۱۳۹۸). دولت امویان، ترجمه حجت الله جودکی، ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- طه حسین. (۱۳۳۹). آئینه اسلام، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، شرکت سهامی.
- عمر فاروق. (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل زندگانی خلیفه دوم، مولف علی صلابی.

فان فلوتن، (۱۳۲۵). تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امیه، ترجمه سیدمرتضی هاشمی حائری، تهران: انتشارات کتابخانه و چاپخانه اقبال.

گردیزی، ضحاک بن محمود. (۱۳۶۳). تاریخ گردیزی، به تصحیح و تحشیه عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب. ماوردی، ابوالحسن علی. (۱۳۸۳). حکام السلطانیه (ترجمه شده به نام «آیین حکمرانی»)، ترجمه و تحقیق: از حسین صابری، تهران: علمی و فرهنگی.

ماوردی، ابوالحسن. (۱۳۸۱). آیین حکمرانی، ترجمه حسین صابری، علمی و فرهنگی، تهران.

محمد اعظم. (۱۳۴۵). اوضاع اقتصادی سیستان، مجله آریانا، ش ۲، ج ۲۵.

مفتخری، حسین. (۱۳۷۹). خوارج در ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

مقدسی، مطهر بن طاهر. (۱۳۶۵). البدء والتاریخ، جلد ۶، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ناصح ستوده، منیره. (۱۳۸۶). ابن خلدون، مقدمه، تاریخ، مجله تاریخ اسلام، شماره ۲۹.

نرخچی، ابوبکر. (۱۳۸۸). تاریخ بخارا، مترجم: ابونصر قبادی.

نفیسی، سعید. (۱۳۴۲). تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، دانشگاه تهران.

یعقوبی. احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح. (بی تا). تاریخ یعقوبی، ج ۲، دارصاد، بیروت

#### مقالات

دشتی، محمد. (۱۳۸۱). هندوشاه و تجارب السلف، تاریخ در آیین پژوهش، شماره ۱.

سعیدیان جزی، م. (۱۳۹۴). منابع درآمد مالی امویان در خراسان. تاریخ و فرهنگ (مطالعات اسلامی)، ۴۷(۹۴)، ۱۵۸-۱۳۷.

فرامرزی نسب، رضا، قاندان، دکتر اصغر. (۱۳۹۳). پیامدهای مالیات‌ها و درآمدهای نامشروع بر اقتصاد عصر اموی. پژوهش نامه تاریخ. ۹(۳۵). ۲۷-۱.